

رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی

جواد امین منصور^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ آقای جواد امین منصور، کارشناس ارشد معاونت حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه می‌باشد.
j.aminmansour@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۵

چکیده

موضوع حقوق بشر به‌ویژه از اواسط قرن بیستم با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و به‌تدریج شکل‌گیری ابزارهای حقوق بشری بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای و جهانی مطرح بوده است. موضوع محیط زیست نیز در سطح جهانی مطرح بوده و منجر به تشکیل کنفرانس‌های مهم بین‌المللی و تصویب بیانیه‌ها و نیز چندین ابزار مهم حقوقی زیست‌محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی شد. با وجود پیشرفت‌های به‌وجودآمده در هنجارسازی با تدوین و تصویب ابزارهای حقوقی بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بشر و محیط زیست و نیز پیوستن تعداد زیادی از دولت‌ها، هنوز ضعف‌های فراوانی در اجرای این‌گونه قواعد به‌چشم می‌خورد. در این راستا، موضوع رابطه بین دو موضوع حقوق بشر و محیط زیست و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر، همواره محل بحث بیشتر و گاه اختلاف یا توافق بین دولت‌ها در مجامع بین‌المللی بوده است. اینکه پس از سال‌ها بحث، جامعه بین‌المللی در این زمینه تا کجا پیش رفته و تا چه حد توانسته بر پیچیدگی موضوع غلبه کرده و به تفاهم برسد، خود موضوع جالب توجهی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. به‌نظر می‌رسد که ازجمله موانع رسیدن به تفاهم، عدم تمایل بسیاری از دولت‌ها به ایجاد رابطه مستقیم بین حقوق بشر و محیط زیست در اسناد بین‌المللی با هدف مصونیت از اتخاذ هرگونه تصمیمی در این زمینه می‌باشد که ممکن است برای آنها پیامدهایی منفی دربر داشته باشد. همچنین برای برخی از دولت‌ها این بیم وجود دارد که پذیرش این رابطه، زمینه‌های پایبندی هرچه بیشتر آنها به اسناد حقوقی بین‌المللی و ایجاد محدودیت‌های جدید را فراهم کند. به‌هرحال و با توجه به نیاز، به‌نظر می‌رسد طرح موضوع در قالب توسعه پایدار بتواند به نتیجه برسد.

▪ واژگان کلیدی:

حقوق بشر، محیط زیست، سازمان‌های بین‌المللی، روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل

مقدمه

صرف‌نظر از تصمیم‌هایی که به‌طور جداگانه توسط جامعه بین‌المللی به‌ویژه طی هفت دهه گذشته درباره موضوعات «حقوق بشر» و «محیط زیست» گرفته شده و نیز تحولات شگرف در روابط بین‌المللی و همکاری بین کنشگران مختلف در این زمینه، واقعیت‌ها و شرایط فعلی زندگی، گویای نوعی رابطه انکارناپذیر و ناگسستنی بین حقوق بشر و محیط زیست است. وجود بیش از دو میلیون مرگ زودهنگام سالانه در جهان در اثر آلودگی؛ پیامدهای منفی تخریب انواع اکوسیستم‌ها برای مردم، شامل: کمیابی آب، نابودی آبریزان، بلایای طبیعی ناشی از تغییر آب‌وهوا، شیوع انواع بیماری‌ها بر اثر آلودگی‌های زیست‌محیطی، و سوءمدیریت انواع پسماندهای خطرناک، از جمله چالش‌هایی هستند که جامعه بشری با آن روبه‌رو است. به این موارد باید برخوردهای نسبتاً منفعلانه جامعه بین‌المللی با چالش‌ها را نیز افزود.

در این نوشتار سعی شده است با نگاهی به مباحث و نتایج گردهمایی‌های مهم بین‌المللی حقوق بشری و زیست‌محیطی و همچنین اسناد حقوقی بین‌المللی، تا حد ممکن ابعاد شناخته‌شده رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر توسط جامعه جهانی معرفی و سیر تحولات در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. در این میان، تجربه‌های ناشی از فعالیت‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در رابطه با محیط زیست و حقوق بشر نظیر تصویب و اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بشر افریقا، و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند زمینه‌ساز اقدامات بعدی در سطح بین‌المللی باشند. در این میان، انتصاب کارشناس مستقل و سپس گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در زمینه حقوق بشر و محیط زیست می‌تواند در روشن‌تر شدن زوایا و ابعاد رابطه یادشده بسیار کارساز باشد.

البته پیچیدگی برقراری این ارتباط و جزئیات آن باعث شده که گام‌های کمی توسط نظریه‌پردازان و دولت‌ها برداشته شود و از این‌رو دیدگاه‌های مخالفان برجسته‌تر جلوه کند.

بنا به گفته آلن بویل^۱، حقوق زیست‌محیطی در هیچ طبقه‌بندی یا نسل حقوق بشری نمی‌گنجد و (رابطه بین این دو) باید از سه زاویه دیده شود. نخست اینکه از حقوق مدنی – سیاسی فعلی برای دسترسی اشخاص به اطلاعات زیست‌محیطی، مسائل قضایی، و روندهای مدنی استفاده شود. وی تأکید می‌کند که راه‌حل عملی برقراری رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، سبز کردن قانون حقوق بشر و نه کار بر روی قانون حقوق محیط زیست است. دوم، داشتن یک محیط زیست سالم، حق اجتماعی و اقتصادی افراد است؛ موضوعی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مطرح است؛ و سوم اینکه توجه به کیفیت محیط زیست به‌عنوان حق عمومی و جمعی مردم (نه اشخاص) برای تصمیم‌گیری درباره محیط زیست و منابع طبیعی‌شان ضروری است (Boyle, 2014).

در این مقاله و برای شرح مطلب یادشده، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در این چارچوب سعی شده به پرسش‌های مطرح‌شده از جمله اینکه چه رابطه‌ای بین این دو موضوع حساس مرتبط با جوامع بشری وجود دارد؟ عناصر هر یک از آنها چگونه بر یکدیگر اثر می‌گذارند؟ چرا اندیشمندان و جامعه بین‌المللی در این زمینه نظرات و اسنادی قابل توجه و در حد انتظار منتشر نکرده‌اند؟ و آخرین تحولات در این زمینه چیست؟ پاسخ داده شود. فرضیه مقاله این است که «حقوق بشر و محیط زیست با یکدیگر رابطه متقابل و انکارناپذیری دارند». در این راستا، مباحث و نتایج کنفرانس‌های مهم جهانی، برخی از اسناد حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بشر، محیط زیست، توسعه پایدار و همچنین آرای زیست‌محیطی دادگاه اروپایی حقوق بشر برای روشن‌تر شدن رابطه بین این دو موضوع مهم، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. کنفرانس محیط زیست انسانی ملل متحد

در پی بروز نگرانی‌های وسیع در سطح جهانی در مورد روند فزاینده تخریب محیط زیست در اثر فعالیت‌های توسعه‌ای، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به تشکیل کنفرانس محیط زیست انسانی ملل متحد^۲ گرفت. این کنفرانس در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) با

1. Alan Boyle

2. United Nations Conference on Human Environment

حضور هیئت‌های عالی‌رتبه ۱۱۳ دولت، نمایندگان جوامع مدنی و سازمان‌های بین‌المللی در استکهلم سوئد تشکیل و طی آن، مذاکرات مهمی درباره تأثیر متقابل وضعیت محیط زیست و فعالیت‌های توسعه‌ای انسانی انجام شد. از جمله نتایج این کنفرانس، صدور «بیانیه استکهلم»^۱ با ۲۶ اصل و «برنامه عمل» با ۱۰۹ توصیه بود. همان‌گونه که از عنوان کنفرانس مشخص است، دو موضوع «محیط زیست» و «انسان» در دستور کار این گردهمایی تاریخی بود و در سخنان نمایندگان دولت‌ها و جوامع مدنی شرکت‌کننده به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. بیانیه کنفرانس استکهلم را می‌توان شروع به‌کارگیری رهیافت زیست‌محیطی در مورد حقوق بشر در سطح جهانی دانست.

طبق بیانیه، هر دو بعد محیط زیست بشر، یعنی بخش‌های طبیعی، و ساخته‌های بشری، برای برخورداری وی از رفاه و حقوق اساسی از جمله حق حیات^۲ ضروری است. حقوق اساسی بشر شامل برخورداری از آزادی، برابری، و شرایط مناسب زندگی در یک محیط زیست باکیفیت است که باعث یک زندگی باکرامت و مرفه می‌شود (Stockholm Declaration, para. 1). باید از منابع طبیعی زمین شامل هوا، آب، زمین و گونه‌های گیاهی و جانوری، به نفع نسل‌های فعلی و آینده از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح محافظت شود. بشر، مسئولیت حفاظت و مدیریت خردمندانه میراث حیات وحش و زیستگاه آن را به‌عهده دارد (Stockholm Declaration, Principles 3, 4 & 5).

به‌طور کلی، بیانیه نگاهی مثبت به فعالیت‌های انسانی برای نیل به توسعه دارد. اما اگر فعالیت‌های به‌ضرر سلامت جسمی و روانی بشر و باعث آسیب‌رسانی به محیط زیست از طریق آلوده کردن آب و هوا و خاک و به‌هم‌خوردن تعادل اکولوژیک سپهر زیستی شود، آن را مردود می‌شمارد (Stockholm Declaration, para. 3). به‌این ترتیب، بیانیه ضمن اهمیت قائل شدن و دادن حق به بشر برای انجام فعالیت‌های معقولانه با استفاده از منابع طبیعی اطراف خود، فعالیت‌های زیانبار و غیرقابل‌جبران را رد کرده و چنین حقی برای جوامع بشری قائل نیست؛ زیرا به‌ضرر خود آنها و نیز موجودات جان‌دار و بی‌جان در طبیعت است.

1. Stockholm Declaration
2. Right to Life

نکته قابل تأمل دیگر و از نوع دوم در بیانیه، مقابله با تضييع حقوق بشر برخی گروه‌ها و افراد در یک جامعه یا کشور توسط برخی از افراد و گروه‌های دیگر است (Stockholm Declaration, Principles 1 & 15). بیانیه، به موازات اشاره به ضرورت حفظ محیط زیست و در برخوردی تند و صریح، برخی از سیاست‌های رایج در آن زمان (البته در برخی مناطق جغرافیایی) نظیر تبعیض یا تسلط نژادی، اشغال خارجی، استعمار، و آپارتاید که منجر به نقض حقوق بشر می‌شود را محکوم می‌کند. نکته قابل تأمل این است که برخی از این سیاست‌ها و اقدامات ناقض حقوق بشر در چگونگی بهره‌برداری از منابع و برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه و شهرسازی جلوه می‌کنند.

برخورد قابل توجه و از نوع سوم در بیانیه، تذکر دادن و مقابله با رساندن زیان‌های زیست‌محیطی جوامع بشری به یکدیگر است (Stockholm Declaration, Principle 21). بیانیه، اصل حقوق بین‌الملل مبنی بر حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع خود و بهره‌برداری از آن را تأیید می‌کند و بلافاصله پس از آن، تذکر می‌دهد که این بهره‌برداری در سرزمین‌های تحت حاکمیت یا کنترل نباید منجر به وارد شدن خسارت‌های زیست‌محیطی به مناطق یا کشورهای دیگر شود. براساس این نکته تجویزی بیانیه، حق دسته‌جمعی افراد یک جامعه در بهره‌برداری از منابع طبیعی خود، دچار محدودیت‌هایی می‌شود. به عبارت دیگر، یک دولت تا زمانی و در حدی حق بهره‌برداری از منابع خود را دارد که خسارت زیست‌محیطی به دیگر کشورها وارد نشود.

۲. کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد

بیانیه ریو و دستورکار ۲۱^۱ از نتایج مهم کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد^۲ است. پیش از هر چیز باید توجه داشت که بیانیه ریو، یک سند توسعه‌ای - زیست‌محیطی است. در این چارچوب، این بیانیه انسان را در ملاحظات توسعه پایدار، دارای محوریت می‌داند که باید از یک زندگی سازنده و سالم و در همگونی با طبیعت

1. Rio Declaration and Agenda 21

2. United Nations Conference on Environment and Development, so called Earth Summit

برخوردار باشد (Rio Declaration, Principle 1). بیانیه، ضمن اشاره به حق توسعه^۱ (به‌عنوان یکی از عناصر حقوق بشر) و ضرورت اجرای آن، حفاظت از محیط زیست را جزء جدایی‌ناپذیر روند توسعه معرفی می‌کند؛ بهره‌برداری از منابع را حق حاکمیتی دولت‌ها دانسته و هم‌زمان از دولت‌ها می‌خواهد که فعالیت‌های بهره‌بردارانه‌شان، آسیبی به محیط زیست کشورها یا مناطق همجوار وارد نکند. همچنین، بر ضرورت تأمین نیازهای زیست‌محیطی و توسعه‌ای نسل‌های فعلی و آینده با عملی شدن حق توسعه تأکید شده است. بیانیه، دولت‌ها را مکلف می‌سازد که برای جبران هرگونه خسارت واردشده به قربانیان آلودگی و دیگر آسیب‌های زیست‌محیطی، همکاری کنند (Rio Declaration, Principles 2, 3, 4 & 13) و به‌این ترتیب، جبران خسارت واردشده را حق افراد قربانی می‌داند. اشاره به نقش و فعالیت زنان، جوانان، و مردم بومی در تحقق توسعه پایدار و ضرورت حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی مردم (در مناطق) تحت اشغال و سرکوب و سلطه (Rio Declaration, Principles 20 to 23) نشان از رنگ‌وبوی حقوق بشری در این بیانیه زیست‌محیطی-توسعه‌ای دارد.

در متن طولانی دستور کار ۲۱، عبارت‌ها یا واژه‌هایی که به‌طور مستقیم مربوط به حقوق بشر باشد، یافت نمی‌شود. ولی به‌هر حال می‌توان اشاره سند به ضرورت کمک به افراد محروم به‌ویژه زنان، جوانان، کودکان، و آوارگان در فرایند تحقق توسعه پایدار را به‌نوعی رعایت حقوق این‌دسته از افراد تلقی کرد. در دستور کار ۲۱، همچنین توجه به خانوارهای فقیر، عشایر، جوامع ماهیگیر، مردم محروم از مالکیت زمین، جوامع بومی، مهاجران و حاشیه‌نشینان شهری توصیه شده است (Agenda 21, Chapter 3, para. 3.5c). دستور کار ۲۱، حفاظت از منابع طبیعی برای ارتقای ظرفیت تولیدی جوامع محلی و نیز تأمین دسترسی فقرا به آب شیرین و بهداشت و آموزش ابتدایی (که از حقوق شناخته‌شده بشری هستند) را به دولت‌ها توصیه کرده است (Agenda 21, Chapter 3, para. 3.5d & 3.8p-q). در سند یادشده، به اهمیت سلامتی تمام انسان‌ها به‌ویژه زنان، کودکان، جوانان و مردم بومی و نیز آثار سوء آلودگی محیط زیست بر سلامت انسان تأکید شده است (Agenda 21, Chapter 6, para. 6.19 & 6.22). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در مصوبات اصلی ریو در سال ۱۹۹۲، یعنی «بیانیه» و «دستور کار ۲۱» به یک نسبت و به‌شکل بسیار محدودی، به ابعاد حقوق بشری توجه شده است.

۳. کنفرانس جهانی حقوق بشر

بیانیه و برنامه عمل وین^۱ نتیجه مباحث مطرح شده در کنفرانس جهانی حقوق بشر^۲ است که در سال ۱۹۹۳ صادر شد. در اسناد یادشده، در حد انتظار اشاره‌ای صریح به رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر مشاهده نمی‌شود. بیانیه، بر حق توسعه و اینکه انسان موضوع محوری در توسعه است، صحنه می‌گذارد (Vienna Declaration, para. 10). در این بیانیه آمده است که حق توسعه باید به گونه‌ای اجرا شود که نیازهای توسعه‌ای و زیست‌محیطی نسل‌های فعلی و آینده را تأمین کند. کنفرانس جهانی حقوق بشر همچنین اذعان می‌کند که دفن غیرقانونی ترکیبات و پسماندهای خطرناک و سمی باعث تهدید جدی حق حیات و سلامت انسان می‌شود. در پی آن، کنفرانس از همه دولت‌ها می‌خواهد که به کنوانسیون‌های موجود مربوط به دفن محصولات خطرناک و سمی پیوسته و مفاد آنها را به اجرا درآورند (Vienna Declaration, para. 11). نکته جالب توجه این است که در این بیانیه فقط خطرهای عناصر سمی و خطرناک برای حقوق بشر (در اینجا حق حیات) به عنوان تهدید تلقی شده و اشاره‌ای به دیگر مشکلات زیست‌محیطی نشده است.

۴. کنوانسیون آرهوس

کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس^۳ را می‌توان پس از بیانیه استکهلم، دومین سند مهم^(۱) مبتنی بر حقوق^۴ درباره حفاظت از محیط زیست دانست. این کنوانسیون به حقوق اساسی رویه‌ای عموم^۵ اشاره دارد و به این ترتیب خواستار مشارکت عموم در حفاظت از محیط زیست خود می‌شود.

طبق کنوانسیون، دولت‌های هم‌پیمان موظفند سه عنصر رویه‌ای که به آنها قطب‌های کنوانسیون^۶ نیز گفته می‌شود را در قوانین خود وارد کنند. این قطب‌ها شامل: دسترسی به

1. Vienna Declaration and Program of Action

2. World Conference on Human Rights

3. UNECE Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters, so called: Aarhus Convention

4. Right-based

5. Public Basic Procedural Rights

6. Pillars of the Convention

اطلاعات مربوط به محیط زیست، مشارکت عموم در روند تصمیم‌گیری درباره محیط زیست، و دسترسی به دستگاه عدالت می‌باشند. کنوانسیون آرهوس، حفاظت کلی از محیط زیست را برای رفاه و برخورداری بشر از حقوق اولیه انسانی، از جمله حق حیات، ضروری می‌داند. طبق سند، هر شخصی حق دارد در یک محیط زیست مناسب برای سلامتی و رفاه خود زندگی کند و حفاظت و بهبود وضعیت محیط زیست به نفع نسل‌های فعلی و آینده است.

۵. کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد

سند پایانی کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد که در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) در شهر ریودوژانیروی برزیل به تصویب رسید^(۲)، به‌طور کلی نکات حقوق بشری کمی -البته نسبتاً بیشتری در مقایسه با بیانیه ریو ۱۹۹۲- دارد و از آنجاکه محیط زیست نقشی محوری در این سند ایفا می‌کند، می‌توان رابطه بین این دو موضوع را برداشت کرد. در این سند، بر اهمیت آزادی، صلح، امنیت، احترام به انواع حقوق بشر از جمله حق توسعه، و حق استاندارد کافی زندگی شامل حق غذا و... تصریح شده و بر اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر ابزارهای حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بین‌المللی تأکید گردیده است. همچنین با اعتراف به اینکه دموکراسی، زمامداری مطلوب، و حاکمیت قانون، لازمه توسعه پایدار شامل رشد اقتصادی پایدار، توسعه اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، و محو فقر و گرسنگی است، بر اجرای اهداف توسعه پایدار و نیاز به مؤسسه‌های مؤثر، شفاف، پاسخ‌گو و دموکراتیک تأکید شده است. در جایی دیگر، بر تعهد همگان به تقویت همکاری بین‌المللی برای مدنظر قرار دادن و رفع چالش‌های مربوط به توسعه پایدار، نیاز به تحقق ثبات اقتصادی، رشد اقتصادی پایدار، ارتقای برابری اجتماعی و حفاظت از محیط زیست، برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان، و... تصریح شده است (Rio Outcome Document, para. 8 to 11).

همان‌گونه که مشخص است، سند یادشده علاوه بر نکات صریح حقوق بشری نظیر آزادی و حق غذا و دموکراسی و حاکمیت قانون، حق توسعه را به‌عنوان جزئی از حقوق بشر مطرح کرده و با برشمردن اجزای حقوق بشر و توسعه پایدار، تحقق آنها را تلویحاً لازم و ملزوم یکدیگر دانسته است.

۶. اسناد بین‌المللی حقوق بشری

برای روشن‌تر شدن رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست، بررسی اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری طی هفتاد سال گذشته شایان تأمل است. در این نوشتار تلاش شده که موضوعات «محیط زیست»، «منابع طبیعی» و «حق حیات» به‌عنوان معیارهای اصلی جستجو شوند. طبق مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷)، همگان حق حیات و آزادی و امنیت دارند (Universal Declaration, Art. 3). در این اعلامیه، اشاره‌ای به محیط زیست و منابع طبیعی نشده است.

براساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵)، همه مردم می‌توانند برای رسیدن به اهدافشان، آزادانه از ثروت و منابع طبیعی خود، بدون آسیب رساندن به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی و براساس نفع متقابل و حقوق بین‌الملل بهره‌برداری کنند. هیچ‌کس نباید از وسیله امرار معاش خود محروم شود. هیچ چیزی در میثاق نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که حق ذاتی همه مردم در برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از ثروت و منابع طبیعی‌شان را مختل کند. در میثاق یادشده، حق ذاتی حیات مورد تأکید قرار گرفته (ICCPR, Art. 2, 6 & 47) ولی اشاره‌ای به محیط زیست نشده است.

طبق میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳، دولت‌های طرف میثاق باید به بهبود ابعاد بهداشت صنعتی و زیست‌محیطی پردازند. هیچ چیزی در میثاق نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که حق ذاتی همه مردم در برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از ثروت و منابع طبیعی‌شان را مختل کند. همه مردم می‌توانند برای نیل به اهدافشان، آزادانه از ثروت طبیعی و منابع خود، بدون آسیب رساندن به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی و براساس نفع متقابل و حقوق بین‌الملل بهره‌برداری کنند. هیچ‌کس نباید از وسیله امرار معاش خود محروم شود. دولت‌های طرف میثاق باید در راستای حق اساسی هرکس برای گرسنه نبودن، در زمینه‌های روش تولید و غذا... با انتشار دانش اصول تغذیه و

1. Universal Declaration on Human Rights
2. International Covenant on Civil and Political Rights
3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

با توسعه یا اصلاح سیستم‌های زراعی به شیوه‌ای که توسعه مؤثر و بهره‌برداری از منابع طبیعی تحقق یابد، اقداماتی انجام دهند (ICESCR, Art. 1, 11, 12 & 25). در میثاق یادشده، اشاره‌ای به حق حیات نشده است.

براساس کنوانسیون حقوق کودک^۱، هر کودکی حق حیات دارد. دولت‌های طرف کنوانسیون باید با بیماری‌ها و سوء‌تغذیه و... با توجه به مخاطرات زیست‌محیطی، مقابله کنند. دولت‌ها به منظور اعمال حق کودک باید تضمین کنند که همه بخش‌های جامعه دسترسی به آموزش داشته باشند و دانش اولیه درباره... بهداشت محیط زیست، و... را کسب کنند. دولت‌های هم‌پیمان موافقتند که آموزش کودک باید متوجه... و مراعات محیط زیست طبیعی باشد (CRC, Art. 6, 24 & 29). کنوانسیون حقوق کودک به منابع طبیعی اشاره‌ای نکرده است.

کنوانسیون بین‌المللی حذف تمام شکل‌های تبعیض نژادی^۲ که در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) لازم‌الاجرا شد، اشاره‌ای به حق حیات، محیط زیست و منابع طبیعی ندارد. در کنوانسیون مقابله با شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز^۳ که در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) لازم‌الاجرا شد، اشاره‌ای به حق حیات، محیط زیست و منابع طبیعی نشده است. براساس کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان^۴ که در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) لازم‌الاجرا شد، حق حیات کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان به وسیله قانون حفاظت خواهند شد. این کنوانسیون اشاره‌ای به محیط زیست و منابع طبیعی نکرده است. در کنوانسیون حقوق افراد معلول^۵ که در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) لازم‌الاجرا شد، دولت‌های متعهد مکلف به تصریح حق ذاتی حیات معلولان شده‌اند. کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از اشخاص ناپدیدشده به شیوه قهرآمیز^۶ که در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) لازم‌الاجرا شد هم اشاره‌ای به حق حیات، منابع طبیعی و محیط زیست ندارد.

1. Convention on the Rights of the Child
2. International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination
3. Convention against Torture, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment
4. Convention on the Protection of the Rights of all Migrant Workers and Members of their Families
5. Convention on the Rights of Persons with Disabilities
6. International Convention for the Protection of all Persons from Enforced Disappearances

همان گونه که مشاهده می‌شود، به‌طور کلی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری به‌شکل قابل توجهی به موضوعات محیط زیست و منابع طبیعی اشاره نشده است. البته با گذشت زمان و به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰، اشاره‌های بیشتری به این دو موضوع در برخی از اسناد به‌چشم می‌خورد. اشاره به موضوع «حق حیات» که می‌تواند دارای دو بعد حقوق بشری و زیست‌محیطی باشد نیز در غالب اسناد، صرف‌نظر از تاریخ صدور، وجود دارد؛ با این تفاوت که در اسناد اولیه تنها معنای حقوق بشری مدنظر بوده و به‌تدریج با اضافه شدن مفهوم محیط زیست، دچار تحول شده است.

۷. کمیسیون و شورای حقوق بشر

کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حفاظت از اقلیت‌های وابسته به کمیسیون حقوق بشر، تلاشی مفید اما بی‌سرانجام را برای روشن شدن رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست شروع کرد. دلیل این تصمیم، زندگی بسیاری از اقلیت‌های قومی و مذهبی در مناطقی بود که به‌لحاظ زیست‌محیطی ضعیف محسوب شده یا محل دفن انواع پسماندهای خانگی یا سمی خطرناک است. کمیسیون فرعی طی گزارشی (Report of the Special Rapporteur of the Sub-Commission, 1994)^(۳) در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) پیشنهاد صدور یک اعلامیه درباره اصول حقوق بشر و محیط زیست را داد که بسیار نزدیک به اصل نخست بیانیه استکهلم بود. دلیل این تصمیم کمیسیون را می‌توان وضعیت نامساعد بسیاری از اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشورهایی دانست که از شرایط زیست‌محیطی نامساعدی برخوردارند یا در دسترسی آنان به منابع طبیعی، در مقایسه با جوامع دارای اکثریت، عدالت و انصاف رعایت نمی‌شود.

پس از بررسی‌های فراوان کارشناسی، در پیش‌نویس اعلامیه تصریح شده است که اشخاص، حق داشتن یک محیط زیست سالم و ایمن منطبق با نیازهای نسل‌های فعلی را دارند؛ وضعیتی که برای حقوق نسل‌های آینده زیان‌بار نباشد. این حقوق، شامل رها شدن از آلودگی، پرهیز از تخریب محیط زیست و فعالیت‌هایی که بر محیط زیست یا توسعه پایدار اثر منفی خواهند گذاشت، حفاظت از آب و هوا و خاک، تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها، دسترسی سالم به طبیعت، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از طبیعت و منابع طبیعی، حفاظت

از زیستگاه‌های استثنائی (بی‌نظیر) و برخورداری از زندگی سنتی مردم بومی می‌شد. گزارش کمیسیون فرعی همچنین به رابطه بین حق داشتن محیط زیست شرافتمندانه^۱، و حق توسعه پرداخت و اینکه حقوق بشر تفکیک‌ناپذیر و به‌طور متقابل به هم وابسته هستند. گزارشگر کمیسیون، نتیجه این اعلامیه (البته در صورت صادر شدن) را گذر از مرحله حقوق زیست‌محیطی به حق داشتن یک محیط زیست سالم و شرافتمندانه دانسته است. به‌دلیل مخالفت نمایندگان برخی از دولت‌ها، پیش‌نویس این اعلامیه در جلسه کمیسیون تصویب نشد. علاوه بر فعالیت‌های کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حفاظت از اقلیت‌ها، کمیسیون حقوق بشر و (در ادامه) شورای حقوق بشر، قطعنامه‌هایی را در راستای روشن شدن زوایا و چگونگی تأثیرگذاری متقابل حقوق بشر و محیط زیست صادر کرده‌اند که بررسی ابعاد و نتایج این فرایندها قابل تأمل است. کمیسیون حقوق بشر با صدور قطعنامه‌ای^(۴) در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) از کمیساریای عالی حقوق بشر، برنامه محیط زیست ملل متحد، و برنامه عمران ملل متحد می‌خواهد که به هماهنگی فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر و محیط زیست در زمینه رفع فقر، ارزیابی زیست‌محیطی دوران پس از جنگ و احیا، و جلوگیری از بلایا ادامه دهند. شورای حقوق بشر نیز با تصویب دو قطعنامه^(۵) در سال‌های ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) و ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) بر رابطه حقوق بشر و تغییر آب‌وهوا متمرکز شده، اثرات مستقیم و غیرمستقیم تغییر آب‌وهوا بر برخورداری مؤثر از حقوق بشر را مورد توجه قرار داد^(۶). قطعنامه‌های یادشده همچنین محیط زیست را در برخورداری از حقوق بشر دارای اهمیت اساسی دانستند.

از دیگر تصمیم‌های قابل توجه شورای حقوق بشر در زمینه محیط زیست، صدور یک قطعنامه^(۷) در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) و طی آن، انتصاب جان ناکس^۲ به‌عنوان «کارشناس مستقل» برای مطالعه الزامات حقوق بشری مربوط به برخورداری از یک محیط زیست پایدار، سالم، پاک و ایمن؛ شناسایی و ارتقاء و تبادل نظرات در مورد بهترین عملکردها؛ انجام مجموعه‌ای از اقدامات؛ ارائه توصیه‌هایی برای کمک به تحقق اهداف توسعه هزاره به‌ویژه

1. Decent environment
2. John Knox

هدف شماره ۷ (پایداری زیست‌محیطی)؛ و در نظر گرفتن نتایج اجلاس ریو+۲۰ برای کمک به ایجاد نوعی دیدگاه حقوق بشری یگانه و پیگیری فرایندها بود. در این راستا و در یک اقدام جدید در راستای ارتقای موقعیت ناکس و افزایش کارایی وی، شورای حقوق بشر با صدور قطعنامه‌ای^(۸) در سال ۲۰۱۴ ضمن تمدید مأموریت ناکس، عنوان جدید «گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست» را به وی اعطا کرد.

سخنرانی ناکس در اجلاس ۲۵ شورای حقوق بشر در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۴، پس از دو سال انجام مأموریت به‌عنوان کارشناس مستقل، قابل توجه است. وی با ذکر اینکه هرگونه حق انسانی می‌تواند با نابودی محیط زیست نقض شود، اذعان می‌کند که اعمال بسیاری از حقوق شناخته‌شده توسط دولت‌ها مانند حق حیات، سلامتی، غذا، آب، و حتی حق سرنوشت با هم ارتباط دارند. مجموعه بدنه‌های حقوق بشری، یک سری الزامات حقوق بشر زیست‌محیطی را با سه عنصر اصلی دارا هستند که در مورد آنها توافق وجود دارد و شامل اطلاع‌رسانی به عموم درباره ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، تسهیل شرکت عموم در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی از جمله در زمینه حفاظت از حق تجمع و آزادی بیان، و فراهم کردن زمینه‌های دسترسی به راه‌حل‌های مؤثر برای آسیب‌های زیست‌محیطی است. وی اضافه کرد که بخش عمده این قبیل الزامات، محتوایی بوده و مربوط به حقوق سیاسی - مدنی است.

از سخنان گزارشگر ویژه این‌گونه برمی‌آید که بدون داشتن یک محیط زیست سالم، بشر قادر به اجرای آرزوهای خود و داشتن زندگی در یک سطح مطابق با استانداردهای حداقلی و کرامت انسانی نخواهد بود. دیگر آنکه رعایت حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست تأثیر متقابلی دارند و تحقق هرکدام، موجب تقویت دیگری می‌شود.

۸. آرای زیست‌محیطی دادگاه اروپایی حقوق بشر

یکی از راه‌های روشن کردن رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، بررسی مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز محتوا و سیر تحول آرای صادرشده توسط نهاد اجرایی آن، یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر^۱ از زمان شروع به کار تاکنون است. کنوانسیون اروپایی

1. European Court on Human Rights

حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) برای طرف‌ها لازم‌الاجرا شده و دادگاه یادشده در همان سال تأسیس شد^(۹). نکته جالب توجه این است که موضوع پرونده‌های تشکیل‌شده طی چند دهه نخست شروع به کار دادگاه، عموماً مربوط به آزادی‌های فردی، نظیر آزادی گردهمایی و بیان و افکار، دموکراسی، حق مالکیت و دارایی، حق زندگی، و... بوده است. به‌این ترتیب در کنوانسیون ۵۹ ماده‌ای اروپایی حقوق بشر هیچ نشانه‌ای از محیط زیست برای اروپای اواسط قرن بیستم یافت نمی‌شود. همه قسمت‌های متن، تنها به حقوق افراد به‌صورت فردی یا جمعی اختصاص دارد و بازتاب‌دهنده تلاش شهروندان اروپایی در آن دوره زمانی برای حفاظت از حقوق خود در برابر دولت‌های متبوع بوده است. حتی کمیسیون اروپایی حقوق بشر طی یک تصمیم اولیه عنوان کرده که هیچ حقی برای حفظ طبیعت در میان حقوق و آزادی‌های تصریح‌نشده به‌وسیله کنوانسیون، تضمین نشده است.

به‌رغم وجود چنین شرایطی، اروپا به‌تدریج در مورد موضوع محیط زیست در دوره پیش و پس از کنفرانس استکهلم حساس‌تر گردید و حاضر شد به‌تدریج واقعیت رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر را بپذیرد. این روند، ضررها و تنگناهای بسیاری برای شرکت‌های کشورهای هم‌پیمان ایجاد کرد و از این‌رو همواره با مقاومت بخش‌های اقتصادی روبه‌رو بود. در اینجا به تعداد محدودی از موارد زیست‌محیطی ارجاعی به کمیسیون و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و احکام صادرشده اشاره می‌شود (Mensah, 2002). ناگفته نماند که شاکی‌ها موظفند پس از ارجاع دادخواست به نهادهای مسئول داخلی و در صورت نارضایتی و ناامیدی از احکام صادرشده، در دادگاه اروپایی، پرونده‌ای باز و تظلم‌خواهی کنند.

۱. در مورد پاول و راینر^۱، شاکیان دارای ملکی در نزدیکی فرودگاه هیتروی لندن بوده و با استناد به مواد ۶(۱)، ۸ و ۱۳ کنوانسیون و ماده یکم پروتکل یک^(۱۰)، صدای بلند هواپیماها را آزاردهنده عنوان کردند. کمیسیون همه موارد استناد را به‌دلیل ضعف رد کرد و فقط ماده ۱۳ کنوانسیون^(۱۱) را وارد دانست. دادگاه با اشاره به قانون هوانوردی ۱۹۸۲ که پرداخت به‌سبب آزار هواپیما را در شرایط مشخصی رد کرده است، برقراری توازن منصفانه بین منافع در حال رقابت شخص و جامعه را ضروری دانست. همچنین عنوان شد که عملیات

یک فرودگاه بزرگ، یک هدف مشروع دارد و اثرات منفی آن بر محیط زیست نمی‌تواند به‌طور کامل حذف شود.

۲. در مورد زاندر^۱، شاکیان، ملکی در کنار شرکت فعال در زمینه پسماندهای خانگی و صنعتی داشتند. بررسی‌ها، وجود مقادیر زیادی ماده سیانید را در چاه‌های منطقه نشان می‌داد. مالکان واحدهای مسکونی در منطقه با درخواست گسترش عملیات دفن پسماندها توسط شرکت، مخالف بودند. دادگاه محلی و دولت به درخواست شرکت، پاسخ مثبت داده و شکایت مردم را رد کردند. دادگاه اروپایی حقوق بشر، نقض ماده ۶(۱) کنوانسیون^(۱۲) را تشخیص داد.

۳. در مورد لوپز آستر^۲، خانواده لوپز در منطقه لورکا در نزدیکی مجموعه‌ای از کارخانه‌های چرم و یک واحد پسماند بدون گواهینامه زندگی می‌کردند. در اثر شکایت مردم به نهاد مسئول محلی به دلیل نقض حقوقشان و تأیید ناملایمات توسط مسئولان محیط زیست، تنها یکی از واحدها تعطیل شد. با ادامه شکایت‌ها طی چند سال، تمام واحدهای پسماند با حکم قانونی تعطیل شدند. خانواده لوپز با ادعای قربانی شدن در این روند، نقض حقوق، آسیب دیدن زندگی خصوصی، و روبه‌رو شدن با برخوردهای تحقیرآمیز به شکایت ادامه داد. دادگاه پس از بررسی مورد شکایت، نقض ماده ۸ کنوانسیون و عدم نقض ماده ۳ کنوانسیون^(۱۳) را تشخیص داد و مخالفت‌های اولیه دولت متبوع شاکی را رد کرد.

۴. در یک مورد دیگر مشهور به قضیه گرا^۳، مجموعه‌ای حاوی چهل شکایت از سوی مردم ساکن مان‌فردونیا که در یک کیلومتری یک کارخانه شیمیایی زندگی می‌کردند، به مقامات محلی رسید. این کارخانه با ویژگی «مخاطرات بالا» ثبت شده بود. دادگاه محلی تاحدودی شکایت‌ها را پذیرفت. اما مردم با ذکر اینکه اقدام مقتضی صورت نگرفته و اطلاعات لازم برای مقابله با آثار سوء مخاطرات، منتشر نشده، به شکایت خود ادامه دادند. کمیسیون اروپایی ابراز داشت که دولت باید اطلاعات لازم را برای عموم جمع‌آوری، پالایش و منتشر کند؛ در غیر این صورت ماده ۱۰ کنوانسیون نقض شده است. اطلاع‌رسانی عمومی

1. Zander
2. Lopez Ostra
3. Guerra & Others

یک ابزار ضروری برای حفاظت از رفاه عمومی و سلامتی مردم در معرض مخاطرات زیست‌محیطی است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۰ کنوانسیون را غیرمرتبط و ماده ۸ کنوانسیون را نقض شده دانست و بر مراعات زندگی خانوادگی و خصوصی مردم تأکید کرد. دادگاه همچنین استناد شاکی‌ها به ماده ۲ کنوانسیون^(۱۴) را غیرضروری تشخیص داد.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد و در موارد بالا هم مشاهده می‌شود، مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، موضوع‌های زیست‌محیطی را دربر نداشت و موارد انگشت‌شمار شکایت‌های مرتبط با محیط زیست نیز با افزایش حساسیت‌های عمومی و دولت‌ها در مورد آن و نیز بالا رفتن سطح استانداردهای اروپایی به‌ویژه در زمینه‌های انبارسازی پسماندهای خانگی و مخاطرات ناشی از آن، به تدریج در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مطرح شد. کمیسیون به این نتیجه رسید که آلودگی‌هایی نظیر صدا و دود ممکن است حق زندگی خصوصی و خانه و اموال شخصی را مورد تعرض قرار دهد. در این زمینه، مورد آراندل که در زیر توضیح داده شده، قابل‌تأمل است. دلیل ارائه برداشت جدید این است که جامعه اروپایی همواره تلاش کرده متناسب با نیازهای روز حرکت کند و در این چارچوب برداشت‌ها از مفاد کنوانسیون نیز استثنا نبوده و دچار تحولاتی شده است. به‌عبارت دیگر، کنوانسیون باید در مورد اجتماع و نیازهای آن، به‌عنوان یک «ابزار زنده» و نه یک ابزار کُند قدیمی عمل کند. از این‌رو، موضوع قانون موردی^۱ مطرح شد که از این طریق، حفاظت از محیط زیست با استفاده از مفاد فعلی کنوانسیون در دستور کار قرار گیرد. برای پیشبرد این سیاست استفاده از دو روش زیر به‌نظر می‌رسند:

الف) به‌عنوان بخشی از حقوق شخصی، که در این زمینه از میان حقوق شناخته‌شده در کنوانسیون می‌توان به حق حیات (ماده دو)، حق مراعات زندگی خصوصی و خانه (ماده هشت)، و حق مالکیت و دارایی (ماده یک پروتکل یک) اشاره کرد. البته این روش هنگامی قابل‌استفاده است که «قربانی شدن» شخص توسط دادگاه محرز شود.

ب) اعمال محدودیت مشروع در حقوق فردی یادشده، به‌نحوی که توازن بین منافع و حقوق عموم از یک‌سو و حقوق فرد از سوی دیگر برقرار شود.

نکته قابل توجه در بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دادگاه حقوق بشر اروپایی این است که در یک طرف، فرد یا افراد و در طرف دیگر، دولت متبوع شاکی یا شاکیان قرار داشتند و به ندرت دولت‌ها در زمینه محیط زیست علیه یکدیگر به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کرده‌اند. از این رو، شکایت دولت قبرس از دولت ترکیه به سبب تخریب عمدی محیط فرهنگی، انسانی، طبیعی و شرایط زندگی در شمال آن کشور با ساکن کردن تعداد زیادی از مردم ترک، قابل توجه است. در این مورد بین قبرس و ترکیه^۱، دولت قبرس ادعا کرد که در اثر اقدامات دولت ترکیه، حق افراد بی‌خانمان شده در شمال جزیره به دلیل مراعات نشدن زندگی خصوصی و خانه‌شان نقض شده است. دادگاه دلایل دولت قبرس را رد نکرد و در عین حال لازم ندانست که موضوعی که در آن نقض ماده هشت کنوانسیون روشن بوده (افراد بی‌خانمان شده را نمی‌توان به شمال قبرس برگرداند) را بررسی کند.

۹. کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر در آمریکا و آفریقا

با برشمردن تحولات ایجاد شده در زمینه رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست در سطح بین‌المللی و نیز اروپا که پیشرفت‌هایی در این مورد داشته، منصفانه نخواهد بود اگر مناطق جغرافیایی دیگری که دست کم در هنجارسازی رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، تحولات چشمگیرتری داشته‌اند، مورد اشاره قرار نگیرند.

یکی از این مناطق جغرافیایی، قاره آمریکا است که دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی پس از چند دور مذاکره درباره تدوین پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موسوم به «پروتکل سان‌سالوادور»^۲ به توافق رسیدند. این پروتکل، بر حق در اختیار داشتن آزادانه ثروت و منابع طبیعی مردم تأکید کرده است. طبق پروتکل یادشده، هر کس حق دارد که در یک محیط زیست سالم زندگی کرده و به خدمات عمومی دسترسی داشته باشد. دولت‌های هم‌پیمان، حفاظت و بهبود وضعیت محیط زیست را ارتقاء می‌دهند (San Salvador Protocol, preamble 7 & Art. 11). در این سند منطقه‌ای، اشاره‌ای به حق حیات نشده است.

1. Cyprus v. Turkey

2. Additional Protocol to the Convention on Human Rights in the areas of Economic, Social and Cultural Rights, so called: San Salvador Protocol

سند مهم منطقه‌ای دیگر، منشور حقوق بشر آفریقا است^۱ که در آن به ضرورت مراعات حق زندگی (حق حیات) افراد و کرامت انسانی اشاره شده است. طبق منشور، همه مردم حق دارند ثروت و منابع طبیعی خود را آزادانه در اختیار داشته باشند و (این حق) باید به نفع مردم اعمال شود. هیچ کس در هیچ شرایطی نباید از این حق محروم شود. همچنین در این منشور توضیح داده شده که اجرای حق یادشده باید بدون صدمه زدن به الزامات ناشی از ارتقای همکاری اقتصادی بین‌المللی، براساس احترام متقابل، مبادله برابر و اصول حقوق بین‌الملل انجام شود. براساس مفاد منشور، همه مردم حق دارند که از یک محیط زیست عمومی رضایت‌بخش در راستای توسعه‌شان برخوردار باشند.

۱۰. قوانین کشورها

بروز برخی تحولات در رهیافت‌های زیست‌محیطی - حقوق بشری در داخل بعضی از کشورها موجب تحولاتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شد که به برخی از آنها در بالا اشاره شده است. روشن است که تحولات بین‌المللی نیز به‌طور متقابل بر سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات در داخل بسیاری از کشورها مؤثر بوده است. البته تعیین حدود این تأثیر بسیار دشوار است. علاوه بر این، قانون اساسی هر کشوری به‌راحتی و در بازه‌های زمانی کوتاه، قابل تغییر نیست که بتوان تأثیرهای ایجادشده را مشاهده کرد. با در نظر داشتن این ملاحظات، در اینجا فقط به چند قانون اساسی که مفاد حقوق بشری و زیست‌محیطی دارند، اشاره‌ای کوتاه می‌شود.

طبق قانون اساسی پرتغال، هر کس از حق داشتن یک محیط زیست سالم و به‌لحاظ بوم‌شناختی متوازن، برخوردار بوده و موظف به دفاع از آن است (قانون اساسی پرتغال، ماده ۶۶). طبق قانون اساسی اسپانیا، هر انسانی حق برخورداری از محیط زیست مناسب برای توسعه شخصی و وظیفه حفظ آن را دارد (قانون اساسی اسپانیا، ماده ۴۵). براساس قانون اساسی برزیل، هر کسی حق داشتن یک محیط زیست متوازن اکولوژیکی را دارد که ذخیره استفاده مشترک از یک زندگی سالم است و دولت و جامعه وظیفه دارند که از آن برای

1. African Charter on Human and Peoples' Rights

نسل‌های فعلی و آینده دفاع و حفاظت کنند (قانون اساسی برزیل، ماده ۲۲۵). طبق قانون اساسی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۵۰).

مطالعه و مقایسه قوانین اساسی کشورها در مورد موضوع این نوشتار، نشان می‌دهد که در قوانین اساسی ترکیه، کره جنوبی، هند، افریقای جنوبی و اتحادیه اروپا اشاره‌هایی قوی به محیط زیست وجود دارد. بسیاری از قوانین اساسی، مانند قوانین کشورهای هند، کره جنوبی و اتحادیه اروپا، مسئولیت حفاظتی را برعهده دولت می‌گذارند، بدون آنکه حقی زیست‌محیطی برای افراد قائل باشند. قوانین اساسی اسپانیا، ترکیه، روسیه و افریقای جنوبی به‌نوعی به حق داشتن محیط زیست کیفی معتقدند که البته میزان و حدود آن بستگی به تفسیر قوانین اساسی آنها دارد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد که طبق اسناد و مصوبات مراجع حقوقی و مجامع بین‌المللی، ابعاد گوناگون رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر و نیز سیر تحولات این موضوع، مورد بررسی قرار گیرد. با وجود اینکه درباره هر یک از دو موضوع حقوق بشر و محیط زیست به‌طور جداگانه تحقیق‌ها و بررسی‌های بی‌شماری انجام شده و بیانیه‌های بسیاری صادر شده است، به‌نظر می‌رسد به‌طور کلی تمایل چندانی در گردهمایی‌های بین‌دولتی به مرتبط ساختن این دو به یکدیگر وجود نداشته و ندارد.

از سال ۱۹۴۸ که اعلامیه جهانی حقوق بشر صادر شد و به‌دنبال آن، پیوستن دولت‌ها به میثاق مدنی سیاسی و میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تاکنون نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراوانی در زمینه حقوق بشر برگزار، و بیانیه‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مهمی تصویب شده است. از سال ۱۹۷۱ که متن کنوانسیون رامسر درباره تالاب‌ها نهایی شد و به‌دنبال آن، صدور بیانیه استکهلم، تا به‌امروز ده‌ها سند بین‌المللی

از جمله بیانیه، برنامه عمل، دستور کار، کنوانسیون و پروتکل درباره توسعه پایدار و محیط زیست، تصویب شده است.

بیانیه‌های سیاسی معمولاً با اجماع، تصویب و صادر شده‌اند و تعداد زیادی از دولت‌ها به ابزارهای حقوقی بین‌المللی در مورد هر دو موضوع پیوسته‌اند؛ به گونه‌ای که برخی از آنها جهان‌شمول دانسته می‌شوند. موضوعات مطرح در تمام تبادلات نظرها و مباحث مورد اشاره حول محور انسان، حقوق فردی و جمعی وی، راه‌های صحیح توسعه و حفاظت از محیط زیست بر روی کره زمین و اطراف آن است. نتیجه، ایجاد پیشرفت‌های قابل توجه جداگانه، دست کم در هنجارسازی، در هر زمینه، یعنی توسعه پایدار، محیط زیست، و حقوق بشر بوده است. اما رابطه بین عناصر حقوق بشر و محیط زیست و توسعه کمتر مورد بحث قرار گرفته و یا اگر در مواردی انجام شده، به موفقیت‌هایی رسیده شده است که نمونه آن را می‌توان در نتایج کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲، کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس در سال ۲۰۰۲، بررسی مسائل زیست‌محیطی در دادگاه اروپایی حقوق بشر (هرچند منطقه‌ای است)، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی، منشور حقوق بشر افریقا، و نیز توجه بیشتر به این حوزه‌ها در قانون اساسی و دیگر قوانین داخلی بسیاری از کشورها مشاهده کرد. این موفقیت‌ها در اتصال بین دو رشته را می‌توان در تصویب واژه‌هایی چون حق حیات^(۱۵)، حق توسعه^(۱۶)، حق بهره‌برداری از منابع طبیعی خود، حق دسترسی به اطلاعات در زمینه‌های زیست‌محیطی، و حق مشارکت در روند تصمیم‌گیری از جمله در طرح‌های زیست‌محیطی یافت. اما این میزان از تفاهم بین دولت‌ها در مقایسه با سطح پیشرفت در هر یک از دو زمینه مورد بحث، ناچیز است و علاوه بر آن، منعکس‌کننده واقعیت موجود، یعنی ارتباط گسترده بین این دو موضوع نیست. نکته جالب توجه این است که این وضعیت تنها در مجامع بین‌دولتی اتفاق نیفتاده و جستجویی در فهرست مطالعات انجام شده و آثار اندیشمندان، کم‌وبیش وضعیت مشابهی را نشان می‌دهد. به نظر نگارنده، دلایل این عدم تناسب و وجود موانع را می‌توان در زمینه‌های زیر یافت:

۱. در مورد «حقوق» انسان و جوامع بشری در رابطه با «طبیعت» همواره پرسش‌هایی مطرح بوده است. اینکه آیا منابع طبیعی را باید در تسخیر انسان دانست؟ و طبق نظر دو

میثاق حقوق بشری و برخی از مکاتب، حق بشر، بهره‌برداری از منابع طبیعی خود به‌هر نحوی که می‌خواهد است؟ آیا بشر جزئی از طبیعت بوده و باید به اندازه خود و به‌طور محدود از آن بهره‌برداری کند و برای سایر اجزای طبیعت نظیر تالاب، جنگل، حیات‌وحش، آب و خاک و هوا و... حقوقی قائل شود؟ آیا سایر اجزای طبیعت نیز حق حیات دارند یا اینکه این حق تنها و تنها به بشر به‌عنوان جزء نیرومندتر بر روی کره زمین تعلق دارد؟ اینها مباحثی هستند که هنوز در بین اندیشمندان و دولتمردان به نتیجه نرسیده و صاحبان مکتب‌های مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن دارند.

۲. ارتباط بین محیط زیست و حقوق بشر از دیدگاه هیچ فرد یا دولتی رد نشده و این خود، نشان از وجود واقعیتی انکارناپذیر دارد. پذیرش این ارتباط، بر پیچیدگی‌ها افزوده و مشخص نبودن حدود مرزها و ابعاد این ارتباط می‌تواند موجب ضعف هر دو موضوع شود. به‌عنوان مثال، اگر دادگاه اروپایی حقوق بشر در دادرسی‌ها به محیط زیست توجه زیادی داشته باشد، حقوق بشری که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌عنوان پایه و اساس فعالیت دادگاه به آن تصریح شده، دچار آسیب شده و دادگاه، دیگر نمی‌تواند از آنها همچون گذشته حفاظت کند؛ یا در نشست‌های خاص حقوق بشری نظیر کمیته‌های مرتبط با کنوانسیون‌ها^۱ دیگر نمی‌توان روی موضوع خاص آن گردهمایی، متمرکز شد. همچنین برقراری این رابطه ممکن است در مجامع بین‌المللی فعال در زمینه محیط زیست مانند نشست طرف‌های استفاده‌کننده از ابزارهای حقوقی زیست‌محیطی به پیچیده‌تر شدن موضوع و احیاناً بی‌نتیجه ماندن جلسه‌ها بینجامد. علاوه بر این، برقراری رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر به گسترش دعاوی حقوقی علیه متهمان اقدام علیه محیط زیست انجامیده و فعالیت‌های جاری ساختارها و روندهای جاافتاده را دچار سردرگمی و مخاطره می‌کند.

۳. سیاسی شدن هر موضوعی می‌تواند بر میزان تفاهم و توافق بر سر آن در بین دولت‌ها اثر منفی بگذارد. در مجامع بین‌المللی که با حضور نمایندگان دولت‌ها برگزار می‌شوند، به‌رحال میزانی از سیاسی‌شدن موضوعات به چشم می‌خورد. از این رو

حساسیت‌های سیاسی دولت‌ها به برقراری رابطه بین موضوعات حقوق بشری و توسعه و محیط زیست و... افزایش می‌یابد و این نگرانی مانع نیل به تفاهم درباره موضوع در دستور کار می‌شود. بدیهی است که این روند برای موضوع مورد بحث، به جای مشخص کردن ابعاد یک رابطه، ویرانگر خواهد بود و جلوگیری از شروع این روند، باعث مورد بحث قرار نگرفتن و روشن نشدن ابعاد رابطه بین‌رشته‌ای در محافل رسمی می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد و به‌عنوان مثال، تلاش کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها برای مشخص کردن رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر در مرحله تحقیقات به پیشرفت‌هایی دست یافت، اما در کمیسیون حقوق بشر که جمعی سیاسی‌تر و کمتر فنی است، به تأیید و تصویب نرسید. در نمونه‌ای دیگر، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در برابر تلاش‌های اتحادیه اروپا برای وارد کردن عناصر حقوق بشری مانند حق مالکیت، آزادی‌های اساسی، حاکمیت قانون، دموکراسی و... در اسناد زیست‌محیطی به دلیل وجود ضعف در مدیریت محیط زیست در کشورهای خود مقاومت می‌کنند. یا اروپا و آمریکا مخالف درج واژه «توسعه» به‌عنوان یک «حق» در میان حقوق شناخته‌شده بشر هستند؛ و اگر تاکنون هم موافقت کرده‌اند، نتوانسته‌اند مقاومت کنند و در نتیجه با وجود پذیرش آن در برخی از اسناد بین‌المللی، کمکی به تعمیق و اجرای این حق نمی‌کنند. از سوی دیگر، آمریکا با توجه به ضعف‌هایی که در حفاظت از محیط زیست دارد، و با در نظر گرفتن اثراتی که حق زیست‌محیطی احتمالی می‌تواند از یک سو بر حقوق بشر و از سوی دیگر بر اقتصاد عظیم آن کشور بگذارد، موافق این رابطه نیست. نتیجه آنکه در اسناد توافق‌های رسمی بین‌المللی، کمتر نشانه‌ای از رابطه بین عناصر دو موضوع حقوق بشر و محیط زیست به چشم می‌خورد.

به‌هر حال، رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست یک واقعیت است و واکنش بشر به این رابطه در مجامع بین‌المللی علمی و رسمی هر چه باشد، نمی‌توان از آشکار شدن ابعاد آن و بحث‌های بیشتر در این زمینه جلوگیری کرد. با افزایش پیچیدگی‌های زندگی، گسترش روابط انسانی، روند جهانی شدن، ادامه تخریب محیط زیست و در نتیجه به‌خطر افتادن روزافزون سلامت و ادامه حیات انسان، بشر چاره‌ای جز پذیرفتن این دسته از واقعیت‌های زندگی، و تنظیم قواعدی در سطوح ملی و بین‌المللی برای بهبود رابطه‌اش با محیط زیست و بهره‌برداری پایدار و خردمندانه از منابع طبیعی باقی‌مانده ندارد.

حتی اگر بر این باور باشیم که تمامی موجودات، اعم از جاندار و بی‌جان، بر روی کره زمین در تسخیر و خدمت انسان هستند، نباید از آن توجیهی برای بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی ساخت؛ زیرا انسان برای ادامه زندگی خود و رشد و توسعه به محیط زیستی سالم و منابع طبیعی کافی نیاز دارد. در تعالیم ادیان الهی و مکتب‌های فکری که انسان را در میان موجودات دیگر، محور یا برتر می‌دانند، استفاده از طبیعت و توجه به آن جزء وظایف پیروان دانسته شده و در هیچ موردی نابودی محیط زیست به نفع انسان مدنظر نبوده است.

بنابراین، پذیرفتن رابطه‌ای معقول بین محیط زیست و حقوق بشر و روشن کردن ابعاد آن، بدون اعمال ملاحظات سیاسی، باید در دستور کار جامعه بشری باشد. به نظر نگارنده، دیدگاه بویل مبنی بر «سبز کردن قانون حقوق بشر» به‌عنوان یک روش برای تقویت این اتصال همانند «حقوق بشری کردن محیط زیست» با مقاومت روبه‌رو خواهد شد. شاید قرار دادن موضوع در دستور کار «مجمع عالی‌رتبه سیاسی»^۱ در قالب توسعه پایدار، بهتر به نتیجه برسد، زیرا دو موضوع یادشده در یک حالت کلی‌تر و با توجه به ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت و احتمالاً می‌توان با استفاده از برخی عناصر دیگر، راحت‌تر به تعریف‌های قابل‌قبولی برای تمام دولت‌ها رسید.

صرف‌نظر از شیوه ادامه بحث در این زمینه، جامعه بین‌المللی باید حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و حق حیات با ابعاد حقوق بشری و زیست‌محیطی را برای انسان بپذیرد. حتی حقوق صرف بشری مانند حق مالکیت، حق برخورداری از آزادی‌های اساسی، دموکراسی، حق آموزش، و دیگر حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نیز در صورتی قابل‌اجرا هستند که محیطی سالم و منابع طبیعی کافی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی فراهم باشد. به عبارت دیگر، اگر منابع طبیعی کافی برای بهره‌برداری انسان‌ها وجود نداشته باشد، رقابت بین جوامع بشری برای برخورداری از منابع، تشدید شده و چه‌بسا به جنگ و خونریزی و ناامنی دامن بزند. بدیهی است در چنین شرایطی، دیگر سخن گفتن از آزادی‌های اساسی، دموکراسی و دیگر حقوق انسانی، معنا و توجیهی نخواهد داشت و اولویت انسان‌ها بقاء، و نه ادامه حیات، حتی به قیمت از دست رفتن جان دیگر افراد، به‌ویژه در جوامع ضعیف‌تر خواهد شد.

یادداشت‌ها:

۱. لازم به ذکر است که مذاکرات مربوط به تدوین متن کنوانسیون آرهوس در قالب کمیسیون اقتصادی اروپا صورت گرفت و تاکنون فقط ۴۷ دولت اروپایی، قفقاز و آسیای مرکزی به آن پیوسته‌اند. اجرای مفاد کنوانسیون از سال ۲۰۰۲ برای دولت‌های هم‌پیمان لازم‌الاجرا شد.
2. Outcome Document of the United Nations Conference on Sustainable Development, so called Rio+20.
۳. برای اطلاع از شماره سند، به قسمت منابع مقاله مراجعه شود.
۴. قطعنامه شماره ۲۰۰۵/۶۰.
۵. قطعنامه‌های شماره ۷/۲۳ (۲۰۰۸) و ۱۰/۴ (۲۰۰۹).
۶. قطعنامه شماره ۷/۲۳ (۲۰۰۸).
۷. قطعنامه شماره ۱۹/۱۰ (۲۰۱۲).
۸. قطعنامه شماره ۲۵/۲۱.
۹. البته به تدریج ابزارهای حقوق بشری منطقه‌ای دیگری در سایر مناطق جغرافیایی نظیر امریکای لاتین شکل گرفتند که در اینجا به بررسی کنوانسیون و دادگاه اروپایی بسنده می‌شود.
۱۰. طبق ماده ۱ پروتکل ۱، هر کسی دارای حق برخورداری از مالکیت و دارایی می‌باشد.
۱۱. براساس ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با عنوان «حق جبران مؤثر»، هر کس که حقوق و آزادیش به گونه‌ای که در این کنوانسیون آمده نقض شود، باید به‌طور مؤثر توسط مقام مسئول ملی جبران شود، مگر اینکه آن نقض توسط یک شخص در جایگاه رسمی انجام شده باشد.
۱۲. طبق ماده ۶(۱) کنوانسیون، در تعیین حقوق مدنی و الزامات یا هر اتهام کیفری، فرد باید از یک جلسه استماع عمومی در مدتی معقول به‌وسیله یک تشکیلات داور بی‌طرف و مستقل طبق قانون برخوردار باشد. قضاوت (با استثنای) اعلام عمومی می‌شود.
۱۳. طبق ماده ۸ کنوانسیون، هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه یا برخورد و مجازات تحقیرآمیز قرار گیرد. طبق ماده ۳ کنوانسیون، هر کسی حق دارد که زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی، و تماس‌هایش مراعات شود.
۱۴. طبق ماده ۲ کنوانسیون، همگان برخوردار از حق زندگی (حق حیات) بوده و باید به‌وسیله قانون حمایت شوند. براساس ماده ۱۰ کنوانسیون، هر کسی حق آزادی بیان دارد، می‌تواند عقایدی داشته باشد و اطلاعات و ایده‌هایی را بدون مداخله مقام مسئول عمومی دریافت کند.
۱۵. البته برداشت‌های اولیه از حق حیات تنها در زمینه حقوق بشر بود و به تدریج به محیط زیست گسترش یافت.
۱۶. هرچند در «حق توسعه» رابطه بین حقوق بشر و توسعه مطرح است، اما به‌کارگیری واژه «توسعه پایدار» در نهایت به محیط زیست می‌رسد.

منابع

الف) فارسی

- بیانیه کنفرانس محیط زیست انسانی ملل متحد به شماره UN Doc. A/CONF.48/14
بیانیه کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد، موسوم به بیانیه ریو در:
www.unesco.org/education/nfsunesco/pdf/RIO_E.PDF
سند پایانی کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد، در:
www.uncsd2012.org/content/documents/774futurewewant_english.pdf
گزارش کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حفاظت از اقلیت‌ها، وابسته به کمیسیون حقوق
بشر به شماره E/CN.4/Sub.2/1994/9
تارنمای سازمان ملل متحد:
www.un.org/documents
تارنمای کمیساریای عالی حقوق بشر:
www.ohchr.org
تارنمای کمیسیون اروپایی حقوق بشر:
www.echr.coe.int

ب) انگلیسی

- Anderson, Michael and Alan E. Boyle (1996), **Human Rights Approaches to Environmental Protection**, Oxford: Clarendon Press.
Boer, Ben (2015), **Environmental Dimensions of Human Rights**, London: Oxford University Press.
Boyd, David R. (2012), **The Environmental Rights Revolution: A Global Study of Constitutions, Human Rights, and the Environment**, Baltimore: University of Washington Press.
Boyle, Alan (2014), **Human Rights or Environmental Rights: A Reassessment**, Edinburgh: Edinburgh University Press.
"Final Report of the Special Rapporteur of the Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, Human Rights and the Environment", 59 UN Doc. E/ CN.4/Sub.2/1994/9.
Loucaides, Loukis G. (2007), "Environment Protection through the Jurisprudence of the European Convention on Human Rights", pp. 167-189, in: **The European Convention on Human Rights: Collected Essays**, Boston: Martinus Nijhoff Publisher.
Mensah, Barbara (2002), **European Human Rights Case Summaries**, London: Cavendish Publishing Limited.

Zarsky, Lyuba (2002), **Human Rights and the Environment**, Earthscan Publications Ltd, London: Sterling, VA.

The Case of Powel & Rayner v. UK (1990), 12 EHRR 355 90/3.

The Case of Zander v. Sweden (1994), 18 EHRR 175 93/54.

The Case of Lopez Ostra v Spain (1995), 20 EHRR 277 94/97.

The Case of Guerra & Others v. Italy (1998), EHRR 357 98/8.

The Case of Cyprus v. Turkey (1994), Application No. 25781/94.

